



پژوهشگر حوزه زنان و خانواده در گفت‌وگو با «جوان»:

باز گشت به عفاف و پوشش، آخرین دستاورد فمینیسم

گفت‌وگو

زهررا جاذری

برای التذاذ مردان تبدیل کرد. در مقابل این جریان اما انقلاب اسلامی ایران را داریم که توانست الگوی تازه‌ای از زن با هویت ایرانی – اسلامی به دنیا معرفی کند. زنانی که دوشادوش مردان با حفظ تمام و کمال شئونات دینی در تمامی عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حضور یافتند و پرچمدار ارتقای ارزش‌های اجتماعی در دوران انقلاب اسلامی بودند. جامعه انقلابی که در سال ۵۷ بنا گذاشته شد، جامعه‌ای نبود که با صرف کالاها و ایده‌های غربی باشد و نظام استکباری نیاز داشت برای تضمین بازار مصرف هم که شده این جامعه و نسل‌های آینده آن را تغییر دهد. به همین خاطر هم به سراغ پرچمداران ارزش‌ها در نظام ایران یعنی زنان رفت و در این مسیر اصلی‌ترین شاخصه هویت ایرانی – اسلامی آنان یعنی حجاب و پوشش و هدف قرار داد. این در حالی است که دنیای غرب هم اکنون به دنبال گفتمان تازه‌ای است که آرامش و عزت را به زنان این جامعه هدیه کند و آن چیز نیست جز «گفتمان بازگشت به عفاف». الگوی زن مسلمان ایرانی و مسیر تغییر ارزش‌های اجتماعی در کشورمان از رهگذر تغییر ارزش‌ها و ذائقه زنان جامعه با ابزارهایی نظیر فشن موضوعات گفت‌وگوی ما با دکتر نیلوفر قدمی، پژوهشگر حوزه زنان و خانواده است که در ادامه می‌آید.

استفاده از جنسیت و زنانگی زن برای مقاصد سیاسی موضوعی است که در طول تاریخ ساسابقه‌ای طولانی دارد و منجر به بروز انقلاب جنسی در جوامع غربی شده؛موضوعی که برخی صاحب‌نظران معتقدند کم و بیش در جامعه ما هم در حال رخ دادن است. آیا می‌توان انقلاب جنسی را هم نوعی جنگ نرم به حساب آورد؟

موج دوم فمینیسم که منجر به آزادی جنسی و در نهایت انقلاب جنسی در جوامع غربی شد، نکته‌ای از ادبیات فلسفی – سیاسی راه ابیات رساستد و آن اینکه از بدن زنان می‌توان به عنوان ابزار فشار سیاسی بر حکومت‌ها استفاده کرد.این نکته‌ای کلیدی است. این تجربه تاریخی را می‌آوریم جلو و جلوتر تاییکه به منظومه تفکر غربی در خصوص جنگ نرم می‌رسیم. جنگ نرم چیست؟ جنگ نرم ابزاری است برای تغییر افکار، ارزش‌ها و عقاید یک ملت بدون جنگ و خونریزی؛ ابزارهای سخت و نیمه‌سختی که در جهت تغییر سبک زندگی است. جنگ نرم فقط علیه جمهوری اسلامی نیست، جنگ نرم علیه هر کشور دگرنانذینی که برخلاف جریان سلطه در جهان حیات می‌کند و زیست دارد،اعمال می‌شود.این جنگ نرم می‌تواند علیه یک کشور کمونیست باشد یا یک کشور با فرهنگ شرقی که قربانی باسبک زندگی امریکایی ندارد. پس این جنگ نرم دارد همه همه کشورهای دنیا مدیریت می‌شود. وقتی از جنگ نرم صحبت می‌کنیم، مخاطبی دارد چون قرار است جنگ نرم عقاید، ارزش‌ها و زندگی افراد در درون یک جامعه را تغییر دهد که آن افراد از پایین به حکومت فشار می‌آورند و آن را تغییر می‌دهند. این آماج جنگ نرم را چه کسانی تشکیل می‌دهند؟ این افراد چه کسانی هستند؟ مردان، زنان و کودکان. همه اینها آماج جنگ نرم هستند.

به نظر می‌رسد زنان پیش از همه‌افشار در معرض تحولات و تحریکات جنگ نرم قرار دارند. اینطور نیست؟

چرا، قرار می‌گیرند.

چرا؟

خاصیتی که خداوند در آفرینش زن قرار داده است، خاصیت انسان‌ساز است. وقتی می‌گوییم زن انسان‌ساز است به چه معناست؟ آیا تنها نکته‌ای که در این خصوص می‌بینیم زایش زن است؟ نه. صرف‌زایش نیست. زنان قابلیت تربیت نسل‌ها را دارند، حتی قابلیت تربیت همسران خود را. پس زن می‌تواند انسان‌ساز باشد. نکته دوم هم تمدن‌سازی زن است؛ زنی که بتواند در چارچوب خانواده انسان تربیت کند، در یک مقیاس بزرگ‌تر می‌تواند جامعه تربیت کند. جامعه‌ای که در راستای تربیت زن رشد و توسعه پیدا می‌کند در نهایت می‌تواند توسعه ایجاد کند. حالا که زن می‌تواند انسان‌ساز و تمدن‌ساز باشد، قاعدتاً اگر بخواهیم تغییری در یک جامعه دگردانیش ایجاد کنیم از همه بیشتر باید روی فکر، ارزش و باور آن زن کار کنیم. انقلاب اسلامی ایران یک اتفاق خاص در تاریخ جهان بود. یک تحول ایدئولوژیک که مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. اول انقلاب بانوان همواره با حضور مستمر و مؤثر در عین حفظ شئونات اسلامی کاملاً توانسته بودند نقش‌های اجتماعی خودشان را به خوبی ایفا کنند.

یعنی انقلاب ما هم برای تغییر و البته ارتقای ارزش‌های حاکم بر جامعه به سراغ زنان رفت و شاید بتوان گفت برگ برنده انقلاب ما همین بود. درست است؟

خیلی‌ها معتقدند که زن مسلمان ایرانی در انقلاب اسلامی ایران هویت جدیدی را به دنیا معرفی کرده است؛هویتی که اثبات می‌کرد دین و مذهب مانع حضور زنان در جامعه نخواهد بود و زنان در کنار آقایان و دوش به دوش آنان قابلیت تغییرات سیاسی را دارند و می‌توانند عاملی فعال و مؤثر باشند و همین نکته باعث شد که سرسرمایه‌گذاری بزرگ دنیای استکبار به بانوان معطوف شود. بی‌تردید اگر دشمن بتواند باورها و ارزش‌های خانم‌های یک جامعه را تغییر بدهد می‌تواند تفکرات و باورهای فرزندان و نسل‌های آتی را تغییر دهد، بنابراین آنها می‌آیند روی هویت زن مسلمان ایرانی کار می‌کنند و این شاخص ظاهری هویت زن مسلمان چیست؟ پوشش و حجاب است. اگر شما بتوانید شاخص ظاهری را بگریزد و روی آن تأثیر بگذارد، آرام آرام می‌توانید آن شاخص را حذف کنید و چون کاملاً ظاهر انسان از باطن و بالعکس می‌تواند تأثیر بپذیرد لذا سیر خاصی را شما خواهید پیمود.

بنا به تأکید شما انقلاب ما نمونه موفق‌ی از الگوی زن مسلمان ایرانی را با هویتی جدید به دنیا معرفی کرد اما سؤال من این است که چه شد امروز بر و نداد نهایی جامعه به گونه‌ای است که احساس می‌شود از این‌الگو فاصله گرفته‌ایم؟

ما در این ۴۰ سال متأسفانه هیچ تبیین آکادمیک صریح، مستقل و درستی از هویت زن مسلمان ایجاد نکرده‌ایم. هیچ دیدگاه منطقی‌ای که در فضای مدارس و محیط‌های آکادمیک‌مان در خصوص



هویت زن مسلمان مطرح بشود، صورت نگرفته است. جامعه ما دارد از فضای سیال ۵۷ فاصله می‌گیرد، سال‌های جنگ تحمیلی را سپری کرده و ریل جامعه به سوی مدرن شدن در حال حرکت است. شما از دوره روی کار آمدن دولت سازندگی فضای جدیدی از شکل زندگی ایرانی را می‌بینید. فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ما تا حدی تغییر کرده است. این تغییر به چه شکل بوده است؟

در واقع شما تغییراتی را که در سبک زندگی مردم جامعه در سال‌های پس از جنگ اتفاق افتاد در کنار کم‌کاری‌های صورت گرفته مسئول این فاصله می‌دانید؟

یک گریزی می‌خواهم بزنم به جنبش‌های دفاع از حقوق زنان؛ عنوانش حالا این است. اینکه دفاع می‌کنند از حقوق زنان یانه آن را باید مخاطبان و خوانندگان قضاوت کنند.

زمانی که انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، کسانی که فمینیست بودند اصطلاحاً یا سلطنت‌طلب‌ها بودند یا مخالفان جمهوری اسلامی که به خارج از کشور فرار کرده بودند یا اینکه جریان معتقد به کمونیسم و سوسیالیسم را تشکیل می‌دادند که اتفاقاً آنها هم شعار زن سر می‌دادند در عمل کاری برای زنان نکرده بودند. از دهه اول انقلاب اسلامی که عبور می‌کنیم، فضای سیاسی کشور باز می‌شود. در دوران سازندگی می‌بینید که واردات گسترده پوشاک اتفاق می‌افتد و اولین محصول قابل توجه هم واردات گسترده شلوار‌های جین است. قاعدتاً پوشیدن شلوار جین هیچ ایراد شرعی، عرفی و قانونی‌ای ندارد اما نمی‌شود از این نکته غافل بود که هر پوششی یک فرهنگی با خود به همراه دارد. در فضای پس از جنگ تحمیلی یکباره ورود یک لباس غربی باعث شد فضا برای فعالیت گروه‌های فرهنگی، اجتماعی بازتر شود. در دهه سوم انقلاب اسلامی این فقط فمینیست‌های خارج از کشور نبودند که در حوزه زنان فعالیت می‌کردند، فضا انقدر باز شده بود که حالا در دوره اصلاحات گروه‌هایی که فعال نبودند و جرئت حرف زدن نداشتند، جرئت پیدا کردند و در یک رویکرد کج‌دار و مریز شروع کردند به فعالیت به حوزه زنان و ایراد شنیهایی در این خصوص به ویژه در بحث اجاره‌ها گونه‌ای که ما این تردیدها و شبهات در خصوص حجاب را در نظریات منتسب به جریان اصلاحات می‌دیدیم.

خب، حالا شما می‌بینید یک هویت تبیین نشده از ابتدای انقلاب مانده و زن ایرانی در چالش و تردید میان نگاه سنتی به زن و نگاه جدید و نو به آن گیر افتاده و می‌خواهد هویت‌یابی کند. اینجاست که دوباره رسانه‌های جمعی اعم از رادیو، تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای، فیلم، سریال و… ورود و تلاش می‌کنند مطالبات بانوان را در حوزه پوششان و مدیریت کنترل بدنشان جهت‌دهی کنند.

نقش تحركات بیرونی را در این معضل چگونه می‌بینید؟

قطعاً دشمن بیکار نمی‌ماند و از دو زاویه ورود پیدا می‌کند. زاویه اول، تغییر سبک زندگی است.اصل‌ازن ایرانی باید هویت خودش را کنار بگذارد. گفته شد که شاخص ظاهری هویت زنان در واقع پوششان است پس وقتی به راحتی پوشش را کنار بگذارید، این دیدگاه به شما القا می‌شود که شما زیبا هستید. در واقع مفهوم زیبا دیده شدن در رسانه‌ها مصادف شد با بی‌حجابی و عربیانی بیشتر. این را چطور می‌توان نهادینه کرد؟ چون به هر حال اگر یکساره بخواهید اینها را به جامعه منتقل کنید، گارد می‌گیرند. همانطور که رضاشاه به زور می‌خواست حجاب را از سر زنان بردارد و یک تقلیدی هم ایجاد شد. آن تقابل به دشمنن یک فرمول داد و گفت باید کاری کرد که زن ایرانی به این نتیجه برسد که هر چه کمتر بپوشد، زیباتر است. هر چه بیشتر جلوه کند، زیباتر است.

از اینجا به بعد هم م‌دسازی از طریق ماهواره و اینترنت و حالا هم شبکه‌های اجتماعی برای نهادینه کردن فرهنگ عربیانی وارد عمل شدند. به این مسئله در حوزه فشن و مدلینگ معنا پیدا می‌کند. ما می‌دانیم که مد و فشن واژه‌هایی فرانسوی هستند به معنای نمایان کردن انسان غربی با مد به نوعی جلوه‌گری می‌کند. آیا انسان مسلمان هم مجاز به چنین جلوه‌گری‌ای است؟ پاسخ منفی است. قرار نیست حضور اجتماعی زن هم‌راه با جلوه‌گری جنسی باشد. در حالی که مد به دنبال جلوه‌گری جنسی است. پس تقویت پایه‌های فشن، مد و مدلینگ در کشور یک ابزار شد. پایه دیگر چیست؟ استفاده از ادبیات

زنان

سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۰



فاطمه مرغانیان|جوان

زمانی که انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، کسانی که فمینیست بودند اصطلاحاً یا سلطنت‌طلب‌ها بودند یا مخالفان جمهوری اسلامی که به خارج از کشور فرار کرده بودند یا اینکه جریان معتقد به کمونیسم و سوسیالیسم را تشکیل می‌دادند که اتفاقاً آنها هم شعار زن سر می‌دادند و در عمل کاری برای زنان نکرده بودند

ورود به برخی اماکن را ندارند. چرا اینها اجازه تحصیل ندارند مگر آزادی نیست. شما دیگر یک تناقض فکری هستید. اگر نظام لیبرال واقعاً به معنای آزادی باشد و اباحه پس باید اجازه بدهد که زن مسلمان هم رویه خود را اتخاذ کند اما در پارادایم فکری نظام اسلامی که در مقابل نظام سکولار قرار می‌گیرد، مارشده تحولات انسانی را خدا و دستوراتش قرار می‌دهیم. در دست ما و هر آنچه خداوند در این زمینه امر فرموده را اطاعت می‌کنیم.

حجاب برای حفظ امنیت و نظم اجتماعی است. برای بر هم نوردن اخلاق خانوادگی و اخلاق زیست جنسی خانوادگی است. به همین منظور اگر یک کدرفتاری مثل همین رعایت حجاب در جامعه به شکل کنونی معین و تبیین شود به این معناست که ما به دنبال حفظ چارچوب خانواده هستیم. در غرب خانواده ارزش و اهمیت و اعتبارش را از دست داده است. انسان‌ها زندگی را بر محور خود و شخص می‌بینند. چون شخصی می‌بینند، منافع فردی است و منافع فردی ایجاب می‌کند جایی که دوست دارند بنا بر خواست خودشان هر طور که می‌خواهند پوشش داشته باشند و جایی که لازم است پوشیده‌تر. کما اینکه شما می‌بینید ما یکسری کدهای پوشش در دانشگاه‌های غرب داریم که همین جامعه لیبرال به زن و مرد سکولار خودش اجازه نمی‌دهد خیلی پله و رها بپوشد و دستورات خیلی خاصی هم دارد.

بعثی در جریان مد غربی مطرح می‌شود به نام بدیست به عفاف و پوشش؛ لباس‌های پوشیده‌ای که فل‌طراتش صرفاً مسلمان نیستند بلکه زنان سکولار هم به آنها گرایش دارند. این را چطور می‌توانیم توجیه کنیم؟

بله، این جریان‌ها وجود دارد. به هر حال انسان هر چقدر هم که بخواهد با فطرت خودش در بیفتد و فاصله بگیرد تجربه سال‌ها رنج و مشقت انسان آزار دیده از مشقت خودش بالاخره به این نتیجه می‌رسد که باید برگردد به فطرت خودش. واقعاً حجاب و پوشش چیه برای خانم‌ها و چه برای آقایان امری فطری است و چون فطری است شما سال‌ها هم که روی آن سربوش بگذارید، دوباره اینها زنده می‌شود. جنبش مطالبه عفاف و پوشش شاید اولین بار در نگاه مدرن و جدید شد و پوشش اولین بار در نگاه مدرن و جدید شد. پوشش «وندی شلیت» یا پوشش شد با کنثایی با عنوان «بازگشت به عفاف» که نگاهت و این شکل جدیدی از گفتمانی بود که خانم‌ها در غرب برای آسایش و آرامش خودشان و برای فرار از آزارهای متعدد جنسی‌ای که متحمل می‌شدند، در این سال‌ها تلاش کردند به این مؤلفه بازگردند.

حتی ما شاهد شکل‌گیری جریان‌های بازگشت به خانواده نیز در غرب بر اساس همین تجربه‌ای که می‌گویید، هستیم.

بله. مستندسازی آقای شقردری که در خصوص انقلاب جنسی بود نشان می‌دهد در کشورهای مثل هلند و بلژیک که جوامع کاملاً سکولار هستند، جوامعی که برای اولین بار سردمدار آزادی همجنس‌خواهی و همجنسگرایی و حتی مخالف خانواده به آن شکل بودند، الان به مقوله مادری، چند فرزندی و حتی ادبیات زن ستی بازگشتند.

اگر اشتباه نکرده باشم، در همین رابطه ما حتی وزیر دفاع آلمان را می‌بینیم که هفت فرزند دارد و خیلی روی این موضوعات کار می‌کنند.

بله. خب جمعیت اروپا به واسطه برنامه کنترل جمعیتی که سال‌ها اعمال می‌شد به سمت منفی شدن رفته بود و این



یک خطر برای تمامیت سیاسی و نظامی یک جامعه بود که جمعیتش رو به منفی شدن برود. برای همین دولت‌های آنان سیاست‌های تشویق به فرزندآوری را دنبال می‌کنند.

هفت فرزند است، در حقیقت یک الگودهی در این زمینه است.

بله، وقتی خانمی با فرزند شیرخوارش در پارلمان اروپا ظاهر می‌شود، نشان‌دهنده همین توجه به نقش مادری و حضور اجتماعی است.

یک دیدگاه وجود دارد که فمینیست‌ها می‌گویند ظلم تاریخی به زن شده و همواره حقوق وی نادیده گرفته شده است و باید از این به بعد برای احیای حقوق زنان به سمت تبعیض مثبت رفت، یعنی به ازای هر مرد یک کرسی در مناصب برایش در نظر گرفته شود. اما حرف ما چیست؟ ما می‌گوییم باید شایسته‌سالاری باشد. یعنی باید سیستم‌به گونه‌ای چیده بیاید. فکر نمی‌کنید که بخشی از شکل‌گیری

۹ | روزنامه جوان | شماره ۵۴۳۷

نهضت فمینیسم برای کشاندن خانم‌ها به عنوان نیروی کار ارزان قیمت به کارخانه‌ها و جامعه تحت عناوین بزرق و برق حمایت از زنان بود؟

قطعاً همینطور است. جریان فمینیسم را اگر دقیق و موشکافانه در طول تاریخ دنبال کنید، متوجه خواهیم شد که پشت آن دست‌هایی برای سوءاستفاده اقتصادی – سیاسی از زنان وجود دارد. به هر حال عده‌ای بودند که فریب شعارهای برابری‌طلبی و برابری خواهانه جریان فمینیسم را خورده‌اند اما واقعیت آن است که زن در جریان فمینیسم تبدیل به چه چیزی شده است. آیا جز این است که به ابزاری برای التذاذ مردان و حتی کی‌التذاذ اقتصادی برای دولت بوده است؟ واقعاً غیر از این نیست. شما ببینید، از زن چه استفاده‌ای می‌کنند به بهانه فمینیسم. می‌گویند زن آزاد است و می‌تواند خارج از خانه و خانواده به فعالیت مشغول باشد و بعد فضایی که برای آن فراهم می‌کنند، در راستای استفاده از بدن زن برای تبلیغات است. شما ببینید، این تصویری رؤیایی که غرب در سینما و تلویزیون از زن تصویر می‌کند با آن چیزی که در واقع وجود دارد زمین تا آسمان متفاوت است. زنان موفق جامعه غربی در رأس امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آکادمیک بعضاً مبتلا به افسردگی‌های شدید هستند. بعضاً در چالش زیاد دیده شدن و پسندیده شدن دست و پا می‌زنند. زنانی هستند که برای حفظ پایگاه اجتماعی خود و برای اینکه بتوانند نمود بیشتری بیابند، دست به جراحی‌های زیبایی متعددی می‌زنند.

در همین رابطه ما می‌بینیم خانم هیلاری کلینتون هم در دو دوره‌ای که کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری امریکا شد با نام خانوادگی همسرش در انتخابات حضور می‌یابد؟

بله. همینطور است. یکی از چالش‌های اصلی فمینیسم‌ها که با آن مواجه هستند و در منظومه قوانین غربی نتوانسته‌اند آن را تغییر دهند، این است که زن همچنان در جوامع غربی پس از ادواج نام‌خانوادگی همسرش را تا آخر عمر دارد. ولو اگر طلاق هم بگیرد. این یعنی اینکه هویت مستقلی برای زنان غربی به آن صورت شکل نگرفته است.

خانم دکتر! یکس از موضوعاتی که طی انتخابات مجلس گذشته مطرح شد، مسئله اختصاص ۳۰ درصد از کرسی‌های مجلس به زنان بود. اگر کمی دقیق‌تر به این موضوع نگاه کنیم، می‌بینیم جریان اصلاحات که بعد سادم حضور برخی از چهره‌های شاخص خود مواج بود برای بستن لیست انتخاباتی خود از سهمیه‌بندی جنسیتی استفاده کرد. نظر شما در این زمینه چیست؟

یک دیدگاه وجود دارد که فمینیست‌ها می‌گویند ظلم تاریخی به زن نشده و همواره حقوق وی نادیده گرفته شده است و باید از این به بعد برای احیای حقوق زنان به سمت تبعیض مثبت رفت، یعنی اینکه به ازای هر مردی که یک کرسی در مناصب برایش در نظر گرفته می‌شود، یک زن هم در آن راستا دیده شود. اما حرف ما چیست؟ ما می‌گوییم باید شایسته‌سالاری باشد. یعنی باید سیستم به گونه‌ای چیده شود که زن و مرد با یکدیگر رقابت کنند و در این رقابت هر کسی که شایسته‌تر بود، انتخاب شود. به نظر ام اختصاص ۳۰درصد از کرسی‌ها به خانم‌ها بدون اینکه کارایی خاصی داشته باشند و حرف جدیدی برای زنان و آحاد جامعه داشته باشند، یک نوع توهین به زنان است.

به نظر می‌رسد که شاید این سهمیه‌بندی هم نوعی بهره‌برداری تلقی شود؟

بله،چرا که این گونه فشارها نیز در دنیا هست برای اینکه حضور و مشارکت زنان را به شکل کمی می‌بینند در حالی که در کنار آن عدد باید کیفیت را هم دید.

جانب ایجاباست که این مسئله از سوی خارج از کشور هم حمایت می‌شود.

بله، دقیقاً همینطور است.

اگر اجازه بدهید به موضوع سد برداریم. اینکه در حال حاضر به رسم اینکه قوانین مربوط به ساماندهی مد و لباس را داریم اما هنوز هم به نظر می‌رسد تبعیض مد و لباس در دست سیاستگذاران داخلی نیست و از خارج از کشور هدایت می‌شود. ما در این زمینه چطور می‌توانیم مد بریت داشته باشیم؟

اگر بخواهم جواب پاسخ شما را بدهم،باید مقدمه‌ای را عرض کنم. سال‌ها قبل فمینیست‌هایی که در ایران فعالیت می‌کردند برای اینکه بتوانند به فعالیت خود ادامه بدهند یک وصفی را برای خودشان تعریف کردند به نام فمینیسم اسلامی. اما باید گفت که اسلام در ذات خود با فمینیسم نمی‌سازد چون از نظر ماهیت دو چیز متفاوت هستند.اسلام به دنبال حیاست ولی فمینیسم به سوی اباح‌گری و آزادی‌ی قید و شرط زنان است. دقیقاً فشن و مد اسلامی هم همین ترکیب نامأنوس است. فشن ریشه فرانسوی دارد و یک سبک زندگی غربی را نشان می‌دهد. چطور می‌شود که اسلام به دنبال پوشیدگی و عدم عرض جنسیتی است اما مد می‌خواهد شما را عرضه کند. خب این تناقضی در کنار هم معنا پیدا نمی‌کند.

به نظر نمی‌آید اینقدر به این مسئله نگاه افراطی داشت. من و شما هم به هر حال رنگ زبیا را دوست داریم بیوشیم و…

این موضوعی که گفتید اصلاً به معنای مد و فشن نیست. این ذائقه صرفی ماست. ذائقه مصرفی ما می‌تواند چیده شود. حرف ما این است که چرا در داخل مسئله مدل نمی‌تواند کنترل شود. اول اینکه این عرصه سال‌ها بدون متولی ره‌ا شده بود و همان جریان معاند غربی به راحتی توانست از طریق شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای سبک و مدل مورد نظرش را ترویج و القا کند. در یک زمانی هم ما شاهدیم که چند متولی وارد این عرصه و بعضاً بدون برنامه‌ریزی و بدون ایجاد سند چشم‌انداز مشغول به فعالیت شدند.

به نظر می‌رسد این جریان مدل و لباسی که در ایران به راه افتاده گرفتار جریان سرمراه‌پداری شده و به جای ذائقه‌سازی به سمت تجاری‌سازی رفته است؟

بله. همینطور است. حالا سراً ما به دنبال مدیریت صنعت مد است. در حال حاضر شما می‌بینید که برخی برندهای معروف شروع کرده‌اند به ایجاد خط تولید و فروش لباس‌های پوشیده‌با برندهای خاص و مشهور. چون می‌بینند درخواستی در جامعه وجود دارد لذا برای آن طراحی و تولید می‌کنند.